

# مجلس یازدهم و دولت سیزدهم مقابل تبعیض با یستند!

مجید علیپور

عضو شورای سازمان معلمان گیلان

درحالی‌که یکی از اهداف اصلی «قانون مدیریت خدمات کشوری» متناسب‌سازی حقوق و مزایای کارکنان دولت و از بین بردن تبعیضهای غیرقابل‌توجیه میان کارکنان هم‌تراز در بخش‌های مختلف بود؛ اما در عمل به‌اندازه‌ای استثنا بر بخش حقوق و مزایا (فصل دهم) اعمال شد که آن را به‌کلی از حیز انتفاع خارج کرد. به‌ویژه آنکه طبق ماده 73 این قانون، دستگاه‌های مختلف مجاز شدند «به‌منظور ارتقای کارایی و سوددهی بنگاه‌های اقتصادی و ایجاد انگیزه و تحرک در کارکنان، از محل درآمدهای خود» پرداختی‌هایی متناسب با میزان سود حاصل از فعالیت‌ها به کارکنان‌شان داشته باشند. از همین نقطه بود که انواع شرکت‌ها، بانک‌ها، مؤسسات و ... دولتی به انحاء مختلف، پرداختی‌هایی برای تأمین و ارتقای سطح معیشت کارکنان خود پیش‌بینی کردند؛ اما در رقابت درآمدزایی و توزیع مزایا، بیش از هر نهاد دیگری، این آموزشوپرورش بود که به حال خود رها شد و در نتیجه، سال‌به‌سال شکافی که به وجود می‌آمد غیرقابل‌باورتر و ترمیم‌ناشدنی‌تر می‌گشت.

آموزشوپرورش که طبق اصل 30 قانون اساسی، رایگان در نظر گرفته شده است، درآمدزا نیست و تمامی خدمات آن به مراجعان رایگان و یا با حداقلی از هزینه است. ظاهراً این موضوع به مذاق بسیاری از مدیران کشور در طی این سه دهه چنان ناخوشایند آمده که در دوره‌هایی، به‌تمام‌معنا به حال خود رها شد. کاهش سال‌به‌سال سرانه آموزشی و رها کردن مدارس از نظر وضعیت فیزیکی، ملزومات و تجهیزات به‌اندازه‌ای بوده است که مدیران مدارس، آموخته‌اند به‌جای برنامه‌ریزی و نظارت بر امور آموزشی و تربیتی دانش‌آموزان، در تکاپوی پیدا کردن خیر و یا فروش قبضه‌های «کمک به مدرسه» به بهانه‌های مختلف به اولیای دانش‌آموزان باشند. این روند به‌اندازه‌ای در از بین بردن شأنیت مدیران مدارس مؤثر افتاده که سال‌هاست «مدیر موفق» از نظر ادارات آموزشوپرورش، مدیری است که توانایی بیشتری در جلب خیر و یا تأمین منابع مالی موردنیاز مدرسه‌اش را داشته باشد.

بی‌تفاوتی نسبت به وضعیت مدارس، به‌کل نظام آموزشوپرورش و شاغلان آن نیز تسری یافت و همزمان با افزایش گسل پرداختی‌ها میان آن‌ها با

کارمندان و کارکنان سایر نهادها، از پرداختی‌های نامستمر و رفاهی‌های حداقلی آنها نیز کاسته شد. و همه این‌ها در شرایطی است که تقریباً مقام مسئولی در کشور نمانده که نسبت به حرمت و شأنیت معلمان سخنی نگفته و نسبت به رفع دغدغه‌های آنها سفارشی نکرده باشد.

با این مقدمه باید پرسید حال که قانون مدیریت خدمات کشوری در رفع تبعیض میان کارمندان و کارکنان دولت توفیقی به دست نیاورده، چگونه می‌بایست از این وضعیت شگفت و غیرقابل‌باور گذر کرد؟ به‌ویژه آنکه معلمان بیش از همه، خود را با همترازان خود در دانشگاه‌های و مؤسسات آموزش عالی مقایسه می‌کنند و به‌حق می‌پرسند تفاوت کیفی فعالیت‌های آموزشی و تربیتی آنها با مدرسان دانشگاه‌ها به چه میزانی است که تفاوت حقوق و مزایای آنها تا یک‌پنجم پایین‌تر است؟ اعتراضاتی که در این روزها مشهودتر از همیشه شده و معلمان را در وضعیتی قرار داده که به صداقت بسیاری از مسئولان نیز شک کرده‌اند، آنها از سویی آگاهند که به علت تحریم‌ها و برخی ندانم‌کاری‌های مسئولان، خزانه کشور ظرفیت تحمل فشار مضاعف را ندارد اما از سوی دیگر شاهد افزایش بی‌ملاحظه حقوق و مزایای کارکنان سایر دستگاه‌ها و دامن زدن به این شکاف شگرف هستند، از همین روست که این تناقض را به هیچ رو نمی‌توانند باور کنند و بر رفع تبعیض و برقراری عدالت تأکید می‌کنند.

آنها انتظار دارند یکبار برای همیشه به این تبعیض دامن‌دار و رو به گسترش، پایان داده‌شده و شأن و حرمتی که از آنها بر بادرفته ترمیم گردد. «لایحه رتبه‌بندی معلمان» با همین قصد و نیت تهیه و به مجلس شورای اسلامی ارسال شد، اما همان روند تدوین و ارسال هم در دولت یازدهم و دوازدهم، چنان دچار تعلل و کندی شد که کمتر کسی تردید دارد آن‌همه تعلل و امروز و فردا کردن‌ها، بدون برنامه و صرفاً از روی اهمال بوده باشد.

معلمان بارها تأکید کرده‌اند که «گلایه آنها نه از فقر، بلکه از فرق است!» آنها بهتر از بسیاری از اقشار و مسئولان از شرایط کشور و محدودیت منابع آگاهند؛ اما حقدارند از مدیران و مسئولان بخواهند به شعارها و آرمان عدالت‌گستری پایبند بمانند و بیش از این اجازه ندهند تا زخم این تبعیض‌های ناروا؛ روح و روان معلمان این مرزوبوم را بیازارد. اکنون در برهه‌ای هستیم که مسئولیت اصلاح و تصویب لایحه رتبه‌بندی معلمان در اختیار مجلس شورای اسلامی است و چگونگی اجرایش نیز با دولت سیزدهم. این مسئولیتی است که خواسته یا ناخواسته بر دوش نمایندگان مجلس یازدهم و سیزدهمین رئیس‌جمهور کشور قرار گرفته است تا جلوی این روند تبعیض‌آمیز بایستند و در عمل

بر استقرار عدالت در این حوزه تأکید نمایند.

شماره: ۱۴۰۰ / ۲۹ / ۱۴۰۰ / ۱۴۰۰ / ۱۴۰۰